

عنوان مقاله:

نقش ایما و اشاره و حرکات بدن در ارتباط و تفکر

محل انتشار:

فصلنامه تازه های علوم شناختی، دوره 1، شماره 4 (سال: 1378)

تعداد صفحات اصل مقاله: 15

نویسنده:

سوزان گلدن-میدو

خلاصه مقاله:

کماکان ۲ سوال جالب باقی است: (۱) آیا حرکات تعریف نشده و خود انگیخته که به همراه گفتار در شنوایان ادا می گردد نیز با غلبه نیمکره چپ همراه است؟ پاسخ به این سوال احتمالا منفی است زیرا این حرکات فاقد ساختارهای قطعه شده بصورت سلسله مراتبی نظیر زبان گفتاری یا زبان اشاره قراردادی می باشند (۲) آیا حرکات تعریف شده منحصر به فردی که کودکان ناشنوای والدین شنوا برای ارتباط اولیه و انتقال پیام برای خود اختراع می کنند با غلبه نیمکره چپ همراه است؟ اگر این نظام حرکات خود ساخته واقعا نوعی زبان باشند بایستی مانند زبان گفتاری و زبان اشاره پردازش شوند و با نیمکره چپ مرتبط باشند. اما آیا این حرکات توأم با کلام با وجود نداشتن ساختار زبان مانند دارای نقشی ارتباطی هستند؟ حرکات همراه گفتار ۴۷٪ از دیرباز این باور وجود داشته است که حرکات غیر کلامی افراد در زمان سخن گفتن بیانگر احساسات و هیجان های آنهاست و توسط پژوهشگران برای پی بردن به نگرش های گوینده مورد استفاده قرار گرفته اند. آیا پژوهشگران می توانند به کمک این گونه اطلاعات به افکار گوینده پی ببرند؟ اولین قدم در پاسخگویی به این سوال این است که بتوان حرکات بیانگر را بطور معتبر و ثابتی ارزیابی و تفسیر کرد: بسیاری از محققین حرکات بیانگر را که در هنگام مکالمه، بیان مطلب، توصیف اعمال و اشیا و یا توضیح مطلبی به همراه گفتار ظاهر می شوند مورد بررسی قرار داده اند. (۲) مرحله ای ناپایدار که در آن ناهمخوانی گفتار و حرکات بیانگر ظاهر ضمیمه ۵: چگونه ناهمخوانی های گفتاری-حرکتی مسائل را حل می کنند؟ ۴۸٪ اگر توضیحات یک کودک در جریان حل یک مسئله بطور معتبری بیان کننده فرایندی باشد که او در حل مسئله ریاضی بکار می برد، در اینصورت در کودکانی که در هنگام توضیح در باره روش های خود دچار ناهمخوانی بین گفتار و حرکت می شوند احتمالا دو فرایند مجزای شناختی فعال می گردد.

کلمات کلیدی:

کودکان، اطلاعات، زبان، گوینده، شنوندگان، حرکات بیان، ناهمخوانی، کودکان ناشنوا، حل مسئله، معلم

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1348486>

